



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۸/۱۴

دوکتور نور احمد خالدي

تراژیدی روشن فکر تاجیک

(یادداشت: این نوشته با توجه به کتاب "افغان و افغانستان" است که در ماه می 2024 توسط عبدالخالق لغزاد در لندن منتشر شده و نویسنده از اینجانب تقاضای نقد کرده است.)

بعد از حادثه سقوط قندز بدست طالبان در سپتمبر سال 2015، لطیف پدram، یکی از نماینده گان ولایت بدخشان در ولسی جرگه، در یک مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که:

"... ما باید افغانستان را بطور رادیکال تغییر دهیم این تغییر رادیکال شامل تغییر در سمبولهایی است که بنام سمبولهای ملی در حقیقت اختیارات و خواسته های یک قوم را بر ما تحمیل کرده اند. این سمبولها شامل موضوعات زیادی است که حالا فرصت آن نیست. اما همیشه پیشنهاد من این بوده که ما با استفاده از فرصت بتوانیم ساختار دولت را بشکنیم، ساختار چند صد ساله را بشکنیم، و یک جمهوری فدرال در افغانستان به وجود آوریم... من بارها با سران قومی طی دوازده سیزده سال صحبت کرده و گفته ام که فرصت را نباید از دست داد چون فردا ما شاید در موقعیتی قرار بگیریم که حتی نتوانیم طرح دادخواهی، طرح فدرالی و طرح درهم شکستن ساختارهای کوچک استبدادی را هم مطرح بکنیم. بناً پیشنهاد ما همیشه این بوده که بیابید بطور رادیکال عمل بکنیم و با استفاده از فرصتهای بین المللی که در اختیار ما است کار را یکطرفه بکنیم... بخت ما با سران اقوام مظلوم این است که این جا ما باید تصمیم بگیریم. این جا ما باید ایالاتیکه متعلق به اقوام دگر هستند در صورتیکه خطر جدی است باید نیروهای محلی ایجاد کنند، اعلان خودمختاری بکنند باید توجه جهان را بخود معطوف نماییم که در این کشور ستم ملی وجود داشته، انحصار طلبی ملی وجود داشته و جنوساید یا نسلکشی ملی وجود داشته و با آوردن نفوس یک قوم معین می خواهند ساختمان نفوس ولایات غیر پشتون را تغییر دهند و نسلکشی کنند و فردا ما فرصت دادخواهی نخواهیم داشت".¹

احمد شاه مسعود نیز گفته بود

"در افغانستان قدرت در دو سه صدسال گذشته قبیلوی، فامیلی و ظالمانه بوده و حالا مردم مسلح هستند و ما هرگز نمی خواهیم مانند گذشته آن را قبول کنیم".²

مجیب الرحمن رحیمی سخنگوی عبدالله عبدالله رییس اجراییه دولت جمهوری نیز اظهار داشته بود که:

"هویت سیاسی افغانستان توسط استعمار شکل گرفته است". او می گوید "رقابت امپراطوری انگلستان و روسیه سبب ایجاد دولت حایلگی شد که اسمش را گذاشتند افغانستان".³

در سال 2016 مجیب الرحمن رحیمی در مقام سخنگوی ریاست اجراییه در همایش گفت و گوی فرهنگی ایران و افغانستان در دانشگاه علامه طباطبایی تهران به تلمخی از ایجاد دولت افغانستان یاد کرده گفته بود که:

"ما در حوزه تمدنی فرهنگی مشترکی زندگی می کنیم... که یکی از تحولات مشترک در این حوزه آمدن استعمار است و با آمدن این استعمار مرزها شکل گرفته و دولتی شکل گرفت (اشاره به افغانستان-نویسنده) که برخاسته از فرهنگ ما نبود".⁴

در هر کشور دیگری همچو اظهارات ضد ملی توسط یک کارمند عالی مقام دولت در یک کشور خارجی سبب بازداشت و محاکمه شخص می گردید اما نه در دولت جمهوری دوسره افغانستان!

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

همچنان مجیب الرحمن رحیمی وقتی بار اول در مقام رییس دفتر عبدالله عبدالله رییس اجراییه دولت جمهوری به هرات رفت از هرات به عنوان قلمرو ایران بزرگ نام گرفت. اخیراً یک شاعر تاجیک تبار به گفته خودش پنجشیری، بنام نجیب بارور نیز در تهران در حضور آیت الله خامنه‌ی پنجشیر و هندوکش را بخش شرقی ایران قلمداد کرد⁵. نقل قولهای بالا گوشه‌ای از تبارز امروزی طرز دید سیاسی "ستمیها" می‌باشد⁶. ظاهر بدخشی بنیانگذار اندیشه ستمیها موجودیت ستم ملی را در افغانستان، به مثابه ستم پشتونها بالای سائر اقوام، عمده ترین مضمون سیاسی زمان خود میدانست. در همین راستا این کتاب خالق لعلزاد نیز کوششی است مذبحخانه تا با پیشکش کردن ده ها منبع وارد و غیر وارد روایت بالا را به زعم خود توجیح نموده ایجاد کشور افغانستان را ساخته و پرداخته استعمار انگلستان ثابت کند و بنیادهای هویت ملی مردم افغانستان را طوریکه در قوانین اساسی کشور از سال 1964 به اینطرف به اشتراک تمام رهبران قومی درلویه جرگه های عنعنوی کشور قوام یافته بود، متزلزل سازند. بر همین اساس کتاب مورد نظر خالق لعلزاد کوششی است در راستای بازنگری تاریخ افغانستان از دیدگاه هواخواهان دکتترین ستم ملی. تا جائیکه من اطلاع دارم، در عصر ما تأکید بر این روایت ضد ملی را بعد از تشکیل دولت جمهوری مجیب الرحمن رحیمی در مصاحبه با تلویزیون نور در گفتگوی بازر سال ۲۰۱۱م⁷ بر پایه دکتترین ستم ملی ظاهر بدخشی آغاز نمود.

این پرسه چگونه قوام یافت؟ با قدرت گرفتن شورای نظاریها در دولت بعد از مداخله نظامی سال 2001 امریکا در افغانستان و کانفرانس بن اول، یک روایت تاریخی و اجتماعی ضد افغان و افغانستان را برخی از فعالین سیاسی و اکادمیک، بخصوص افراد تاجیک تبار، برای اغوای جوانان هم‌تبار خود تبلیغ میکنند که اساساً توسط احمدشاه مسعود در جریان سخنرانیهای تدریسی به کدرهای حزب جمعیت اسلامی و شورای نظار تهاداب گذاری شده بود. یکی از این سخنرانیها احمدشاه مسعود تاجیکها را باشندگان اصلی این سرزمین قلمداد کرده پشتونها را بی فرهنگ می‌نامد⁸. این طرز دید، تفکر سیاسی و روایت تاریخی در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴م افغانستان و بعد از آن به شکل جدی از طریق رسانه‌های راجستر شده کشور و رسانه‌های انترنیتی یا سوشیل میدیا وابسته و یا طرفدار به گروه‌های سیاسی که در اطراف شورای نظار حلقه زده اند، بطور گسترده شایع می‌گردد. این گروه‌ها شامل حزب جمعیت اسلامی، دسته‌هایی از جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق، افراد، اعضا و حامیان گروه سیاسی نام نهاد سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان (سازا) است که در جامعه به اسم "گروه ستم ملی" معروف می‌باشد. این گروه خودمختاری ولایات غیرپشتون‌نشین را تبلیغ می‌کنند و همچنین گروه‌هایی از فعالین سیاسی هزاره نیز خودمختاری هزاره جات یا به اصطلاح خودشان، هزارستان، را تبلیغ میکنند. هدف از این تبلیغات در حقیقت دادن پایه‌های تاریخی و اجتماعی و سیاسی به ادعاهایی است که لبه تیز آن متوجه تزلزل آنچه آن‌ها هویت سیاسی نشنلیم پشتون در وجود سمبول‌های دولت افغانستان می‌دانند، می‌باشد. اینگونه برداشتها و روایات سبب ایجاد یک رخنه عمیق در سطح روشنفکری میان تاجیکها و پشتونها شده و کار بجایی کشیده که تعدادی از تاجیکها خیال تجزیه افغانستان را بسر می‌پروراندند⁹.

علل و شیوه های افغان و افغانستان ستیزی!

در بالا گفته شد که هدف این تبلیغات ضد افغان و ضد افغانستان در حقیقت دادن پایه‌های تاریخی و اجتماعی و سیاسی به ادعاهایی است که لبه تیز آن متوجه نیل به اهداف زیرین اند:

1. تزلزل و ایجاد شک و تردید در هویت ملی مردم افغانستان؛
2. شکستن سمبول‌های ملی مانند اسم کشور، بیرق ملی، موجودیت ملت افغانستان، افتخارات تاریخی کشور؛
3. بدنام کردن شاهان و امیران کشور؛
4. شکستن پایه های وحدت ملی با اشاعه خراسان طلبی؛ و در نهایت
5. تخریب و سقوط دولت و کشور افغانستان می‌باشد.

سوال در اینجاست موضع گیری ضد ملی این افراد از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ جواب ساده آن است که این عناصر روایت ایرانی از ایجاد کشور افغانستان را تکرار میکنند.

حقیقت آن است که ایجاد و دوام کشور و دولت افغانستان با هویت مستقل افغانی آن که عمدتاً متکی بر اسلام حنفی و فرهنگ افغانی متشکل از عناصر پشتونولی و فرهنگ دری خراسانی است، نه تنها با آرمان‌های ناسیونالیزم ایران بزرگ در تضاد قرار دارد بلکه مانعی در راه بسر رسیدن آرمان‌ها و اهداف سیاسی آن نیز می‌باشد. اگر تغییر موجودیت دولت افغانستان در شرایط جهان معاصر برای ایرانیها مقدور نیست، آنها به کمک مستقیم عمال خود و کمک غیر مستقیم ستمیها، شورای نظاریها، و تنظیمهای جهادی هزاره شیعی که از ایران کمک پولی، نظامی، تعلیمی و تبلیغاتی میشوند در صدد تغییر هویت دولت افغانستان به نفع منافع ستراتژیک خود هستند. آنها این کار را از طریق یک هجوم گسترده فرهنگی انجام میدهند.

روایت ایرانی تاریخ افغانستان چگونه است؟

ایرانی‌ها تا امروز به حسرت از جدایی افغانستان از ایران یاد می‌کنند و هیچ ایرانی را به یاد ندارم که افغانستان را بخش جدا شده از پیکر ایران نداند. خصومت و عناد ایران‌پرستان وطنی ما با میرویس نیکه و احمد شاه ابدالی بانیان دولت افغانستان نیز در همین حسرت نهفته است. ایران‌پرستان وطنی ما به توهین و تحقیر این شخصیت‌های ملی که برخی از سمبول‌های ملی ما را می‌سازند، پرداخته اند. اخیراً جعلیاتی را در این که میرویس‌خان پشتون نبوده منتشر ساخته و پیهم از دولت‌های هوتکی و ابدالی بخاطر جهانگشایی‌های آن‌ها در فارس و هندوستان انتقاد می‌کنند.

مؤرخین ناسیونالیست ایرانی سرزمین افغانستان امروزی را شامل قلمروهای شرقی ایران بزرگ دانسته و موجودیت کشور و دولت مستقل افغانستان را ناشی از بازی‌های استعمار انگلستان در قرن نهم دانسته و معتقد اند که افغانستان در سال 1857م بعد از عقد معاهده پاریس میان انگلستان و دولت قاجاری فارس از پیکر ایران جدا گردید چون انگلیس‌ها با امضای این معاهده از دولت فارس تعهد گرفتند که از هرگونه ادعای ارضی بالای افغانستان صرف‌نظر نموده استقلال آن را به رسمیت بشناسند. این همان مطلبی است که خالق لعلزاد در پیشگفتار کتاب خود بر آن تأکید دارد.

حقیقت آن است که دولت فارس 110 سال قبل از سال 1857 تسلط خود را بالای سرزمین‌های افغانستان از دست داده بود و این کشور بصورت مستقل توسط دولت‌های بومی خودش اداره می‌گردید و دولت استعماری انگلستان هیچ نفوذی بالای این کشور نداشت و در حقیقت اولین اقدام انگلیس‌ها برای تحت تسلط آوردن این کشور در سال‌های 1838-1842م که به عنوان اولین جنگ افغان و انگلیس معروف است با شکست فاحشی روبرو گردید و صرف یک افسر انگلیسی داکتر برآیدن از این کشور جان سالم به در برد. این که انگلیس‌ها 20 سال بعد از آن کوشیدند دست ایرانی‌ها را از افغانستان دور نگهدارند ناشی از نگرانی آن‌ها از پلان‌های جهانگشایی روسیه تزاری بود که با تیبانی با دولت فارس کوشیدند شهر هرات را اشغال کنند و خود را به نزدیکی سرحدات هند برطانوی برسانند. فارس‌ها بعد از یکسال محاصره هرات نتوانستند این شهر را فتح کنند و مجبور به عقب نشینی شده حمله سه کشتی انگلیسی را به بندر بوشهر بهانه شکست خود آوردند. در حالیکه انگلیس‌ها در آن زمان هیچ نفوذی بالای دولت افغانستان نداشت، بجز از موجودیت یک جاسوس انگلیسی الاصل در هرات، هیچ نماینده در این کشور نداشتند.

ایران‌پرستان وطنی، از جمله خالق لعلزاد، به سلسله کوشش برای تخریب تاریخ این کشور تاریخ افغانستان را از امیر عبدالرحمن خان به بعد بیان می‌کنند. چرا؟ برای اینکه اگر تاریخ افغانستان را از زمان میرویس خان هوتکی و یا احمد شاه ابدالی قبول کنند، طوریکه مؤرخ مشهور انگلیسی جان اتان لی بیان می‌کند،¹⁰ در آنصورت نمی‌توانند بگویند دولت و کشور افغانستان را استعمار انگلستان از پیکر ایران جدا ساخته است! برای آن که در سال 1709م در زمان قیام موفقانه میرویس خان هوتکی بر ضد صفویها و در سال 1747م زمانی که احمد شاه ابدالی کشور و دولت مستقل را در این سرزمین اعلان کرد، هنوز استعمار انگلیس در هندوستان شکل نگرفته بود.

در ایران در سه صد سال گذشته هویت‌های غیر "فارسی" از نظر فرهنگی به شدت سرکوب شده اند. امروز در ایران هویت‌های قومی ترکی، عرب، کرد و غیره هیچ تبارز رسمی فرهنگی ندارند.

در حالی که در افغانستان در سه صد سال گذشته با وجود حاکمیت رسمی اقوام پشتون، زبان دری به عنوان زبان پیوند دهنده اقوام کشور رسماً حاکم بوده است و زبان پشتو بالای سایر اقوام تحمیل نشده است.

بعضی‌ها می‌گویند در افغانستان هویت اتنیک به مفهوم اروپایی آن وجود ندارد. یعنی چه؟ در هر کشور اروپایی اتنیک‌ها یا اقوام متنوعی زنده می‌کنند. در انگلستان انگلیس‌ها، اسکاتلندی‌ها، ویلش و ایرش زنده می‌کنند که هرکدام از لحاظ فرهنگی گذشته خود را دارند و هیچ تفاوتی با پشتون، تاجیک، هزاره و اوزبیک در افغانستان از لحاظ تنوع فرهنگی خویش ندارند. همانگونه بلجیم، سویس، اسپانیه و غیره ...

جالب است که در طول سه صد سال در افغانستان کدام جنبش جدی جدایی طلبی وجود نداشته در حالی که همین سال گذشته در انگلستان اسکاتلندی‌ها برای جدایی ریفرا دوم کردند و در اسپانیه باسک و کاتالونیا استقلال می‌خواهند. حالا بعضی‌ها می‌گویند در افغانستان ملت ساخته نشده در حالی که ساخته شده و از آزمون زمان هم پیروز بدر شده متأسفانه این افراد خبر ندارند و یا نمی‌توانند قبول کنند.

منافع اقوام این کشور با وجود تمام اختلافات در اتحاد ملی شان در حدود جغرافیایی افغانستان می‌باشد. تاریخ گواه است که با تجاوز بیگانگان بر این سرزمین، تمام ملیت‌های آن اعم از پشتون و غیرپشتون یک دل و یک جان باهم از یکپارچگی و استقلال خانه مشترک شان افغانستان دفاع کرده اند. متأسفانه سیاست‌های نفاق افغانه بخصوص در زمان جهادی‌ها و طالبان از قوام همبستگی ملی کشور جلوگیری کرد و نگذاشت کشور در عرصه‌های متعدد منجمله تکامل اقوام آن به ملت واحد با منافع مشترک به جلو رود.

یکی از دوستان فیسبوکی، آقای فرید بهمن، می‌نویسد: "مبارزین و زبده مردان/ زنان زیاد از زمان شکل‌گیری دولت-ملت افغانستان- و ساختار سیاسی مدرن تا امروز در این مرز و بوم که نامش شناخته شده اش در سطح بین‌المللی شناخته شده است - خوب یا بد - گذشته است اما هیچ‌کدام نگفته اند "من افغان نیستم". مشروطه خواهان اول و دوم، مبارزین دوران تجدد خواهی امانی، مبارزین ضد استبداد نادری، مبارزین ضد استبداد هاشم‌خانی، فرهنگیان، هنرمندان، نخبه‌گان، بیروکرات‌ها، رهبران احزاب و تنظیم‌های کودتاچی، جهادی و مبارز: ببرک، سلطان علی کشتند،

فرید مزدک، دستگیر پنجشیری، ربانی، مسعود، دوستم، بدخشی، باعث، مزاری، اکبری، خلیلی، محقق، عبدالله، فهیم و غیره هیچکدام نگفته بودند "من افغان نیستم".

تنها لطیف پدram و عناصر مانند او و جمهوری سکوتی‌ها تبار نفرت هزارمگی لقمه گندیده "من افغان نیستم" را نوشخوار می‌کنند. باقی جوان‌های احساساتی و کم مطالعه و بی‌خبر از دینامیزم تاریخی فقط به خاطر نشان "حضور" شان در رسانه‌های مجازی "من افغان نیستم" را بلغوز می‌کنند. در این میان این تیشه‌های فاجعه‌آفرین فاشیست‌های پشتون و هزاره و تاجیک که در خدمت مافیای قدرت و طالبانیزم استند دسته پیدا می‌کند.

لعزاد چهره شناخته شده ضد افغان، ضد پشتون و ضد افغانستان برای جامعه روشنفکر پشتون است. هرگاه هزار صفحه بیشتر مملو از دلایل برای تحقیر و توهین بیشتر پشتونها و تاریخ آنها به کتاب خود افزود نماید هیچ فرد پشتون حاضر نخواهد بود این کتاب را ورق زند. لعزاد خود این را میداند و این کتاب را هم برای استفاده قوم پشتون نوشته نکرده بلکه مشتریان و خریداران هجویات او جوانان و روشنفکر تاجیک است تا برای پیشداوریهای خود در مورد فرهنگ پشتونها و برای اندوختن بیشتر بار نفرت قومی در برابر پشتونها یک مرجع و مؤخذ اکادمیک داشته باشند. با آنکه به سختی میتوان نوشته یک تکنیشن ذغال سنگ از اتحاد شوروی را یک اثر تاریخی اکادمیک قلمداد کرد!

تراژدی روشنفکران تاجیک که در دام عنکبوت دکترین "ستم ملی" گیر افتاده اند در آن است که پیشبینی لطیف پدram، این سپهسالار لشکر ستمیها که گفته بود "فرصت را نباید از دست داد چون فردا ما شاید در موقعیتی قرار بگیریم که حتی نتوانیم طرح دادخواهی، طرح فدرالی و طرح درهم شکستن ساختارهای کوچک استبدادی را هم مطرح بکنیم. بناً پیشنهاد ما همیشه این بوده که بیایید بطور رادیکال عمل بکنیم و با استفاده از فرصتهای بین المللی که در اختیار ما است کار را بکطرفه بکنیم" با شعارهای ناشیانه "من افغان نیستم"، "وطن من خراسان است"، به حقیقت پیوسته است.

روشنفکران آینده در دام عنکبوت اندیشه های ستمی، باتکیه به ناسیونالیزم ایرانی در پشتون ستیزی، افغان ستیزی، دری ستیزی و در نهایت مانند خالق لعزاد، در افغانستان ستیزی تاحدی جلو رفتند که با طرد "هویت افغان" در سطح جهانی به آدمهای بی هویت بی وطن و بی دولت مبدل شده اند. در حالیکه ایجاد و دوام کشور و دولت افغانستان با **هویت مستقل افغانی آن که عمدتاً متکی بر اسلام حنفی و فرهنگ افغانی متشکل از عناصر پشتونولی و فرهنگ دری خراسانی است.** اینکه لطیف پدramها و خالق لعزادها هویت افغانی را هویت پشتون تعبیر کنند چیزی را تغییر نمی دهد. ارزشها و هویت ملی هر کشوری در جهان امروز از هویت و ارزشهای بزرگترین کتله قومی نفوس آن متأثر میباشد. به گفته ان کولتر¹¹ در مناظره با وبویک راماسوامی یکی از کاندیدان امسال ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه، ناسیونالیزم حاکم در جامعه و دولت امریکا مبتنی بر **هویت ملی واسپ WASP** است که متشکل از سه عنصر میباشد: (White) سفید پوست، (Anglo-Saxon) انگلوساکسون و دین (Protestant) پروتستان¹². بیجهت نیست که این سه عنصر هویت ملی چهار کشور امریکا، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند را تشکیل داده و این چهار کشور زیر رهبری امریکا در تمامی مسایل سیاست خارجی موقف مشترک دارند، چه موضوع اسرائیل و فلسطینیها باشد، چه جنگ اوکراین و چه کوشش برای مهار کردن پیشرفت اقتصادی چین و نفوذ روز افزون آن در جهان.

این بدان معنی نیست که امریکا مهاجرین سائر اقوام و ادیان را نمی پذیرد و یا افراد وابسته به سایر اقوام، نژادها و ادیان به مقامات دولتی بالا در امریکا گمارده نمی شوند. چرا گمارده میشوند به شرط اینکه این هویت ملی حاکم (واسپ) کشور امریکا را مورد سوال قرار ندهند! با طرف سوال قرار دادن عناصر هویت ملی افغانستان، روشنفکران ستمی تاجیک درز عمیقی میان خود و پشتونها ایجاد کردند و با خراسان خواهی غیر عملی و بی لزوم، وطن افغانستان را از دست دادند. برای مقابله با این تراژدی، روشنفکر تاجیک یک راه در مقابل دارد: آزاد شدن از دام عنکبوت تفکر و روایت ستمیها و برگشت به آغوش ملت افغانستان.

مأخذ و منابع

1. اولیور روی، اسلام و مقاومت در افغانستان، متن انگلیسی، چاپ دوم، یونیورسیتی کمبرج، 1990م
2. اولیور روی اسلام و نوگرایی سیاسی در افغانستان، ترجمه ابوالحسن سروقد، سال 1369، ص31
3. بابرنامه، خاطرات ظهیرالدین محمد بابر پادشاه غازی، ترجمه انگلیسی از روی متن ترکی توسط انت سوزانا بیوریچ، لندن سال 1922م.
4. بی بی سی فارسی، میزگرد برگزار درباره آراییها
5. پرویز مشرف، 2013م، به نقل از آیشیا وتمیر، What Went Wrong in Afghanistan، ژورنال فارن پالیسی.

6. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، چاپ چهارم، تهران ۱۳۵۳ ه.ش.
7. توزک بابری ص ۲۷۱، چاپ بمبئی.
8. توماس بارفیلد "تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان".
9. توماس بارفیلد "تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان"، چاپ یونیورسیتی پرنستون، 2010 م.
10. جلال بایانی. Larawbar.com 2015-08-25.
11. جورج فورستر، "یک سفر از بنگال به انگلستان از طریق قسمت‌های شمال هندوستان، کشمیر، افغانستان و فارس به روسیه از طریق بحیره کسپین، لندن، 1798 م.
12. چنگیز پهلوان، کتاب "شعراى معاصر افغانستان" چاپ تهران. ۱۳۷۱.
13. حامد نوید، آریانا افغانستان آنلاین، ریشه یابی کلمه افغان، ۲۰۱۸/۲/۲۷ م
14. خطابه احمد شاه مسعود به شاگردان خود (ویدیو کلیپ بدون تاریخ)
15. داریره المعارف بریتانیکا، 1914 م
16. رزاق مامون. "کابل پرس" یکشنبه 26 جون 2011 م.
17. رزاق مامون، "تقدیم به حبیب الله، نخستین خط شکن پس از هزار سال"، شنبه ۱۳ سنبله ۱۳۹۵ هجری شمسی سایت انترنتی "گزارش نامه افغانستان".
18. روزنامه اکسپرس تربیون پاکستان
19. ریچارد ارمیتاژ، FP, 18 Sep 2013 انترویو
20. ژورنال پلوس یل، Plus One دانشمندان پوهنتون پورت سموث انگلستان، هشتم مارچ سال ۲۰۱۲ م
21. سر جان ملکم، تاریخ ایران لندن، 1815 م، جلد اول
22. سفرنامه ابن بطوطه (که در سال ۷۵۴ هجری قمری پایان یافت و در مجموع ۲۹ سال و نیم به طول انجامید. این سفرنامه به ۴۰ زبان ترجمه شده است)
23. سیف فاضل (فیسبوک) ۲۰۱۸ م.
24. صاحبنظر مرادی جریده انترنتی "خراسان زمین چاپ ۲۸ قوس ۱۳۹۰ ه.ش
25. عبدالحمید مبارز، مصاحبه با تلویزیون نور در گفتگوی باز، ۲۰۱۱ م
26. عبدالحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، ج. سوم 1377 ه.ش دانش کتابخانه پیشاور
27. عبدالحی حبیبی Abdul Hai, Habibi, are Afghan, Pashtun Forums Khaljies, 22-07-2013
http://www.pashtunforums.com/pashtun-history-/38641-khilji-ghizais-ghaljis-pashtuns-afghans-abdul-hai-habibi.html
28. عبدالحی خراسانی (مقالات نشر شده در فیسبوک)
29. غیاث آبادی، رادیو فرانسه بخش فارسی.
30. فیض محمد کاتب، سراج التواریخ: 1331 شمسی، طبع دارالسلطنه کابل.
31. کابل پرس، تجزیه افغانستان، جون ۲۰۱۱.
32. کابل پرس، نتایج پرسش در مورد تجزیه افغانستان، ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۳ م.
33. کتاب خاطرات امیر عبدالرحمن خان
34. کلونل رالف پیتر. نقشه شرق میانه نو، MAP OF THE NEW MIDDLE EAST Lit-Colonel
Ralph Peters 2006
35. لطیف پدram مصاحبه ویدیویی بعد از واقعه سقوط شهر قندز-۲۰۱۵ م
36. لطیف پدram، مصاحبه با بی بی سی فارسی، میزگرد پرگار تلویزیون فارسی بی بی سی درباره ایرانیان و افغانی‌ها ۲۰۱۳ م.
37. لهکارت، انقراض سلسله صفویه نوشته لکهارت
38. مجیب الرحمن رحیمی، مصاحبه با تلویزیون نور در گفتگوی باز، ۲۰۱۱ م
39. مجیب مهرداد، روزنامه هشت صبح، پنجشنبه، 19 جدی 1398.
40. محبوب الله کوشانی به نقل از دستگیر پنجشیری، وبسایت آریانی، هفتم ثور 1382 مطابق 27 اپریل 2003 میلادی.
41. محبوب الله کوشانی، سخنرانی ایکه بمناسبت بیستمین سالگرد شهادت م ط بدخشی در دوشنبه مرکز تاجیکستان
42. محمد ابراهیم عطایی، نگاهی به تاریخ معاصر افغانستان، مترجم: جمیل الرحمن کامگار بنگاه انتشارات میوند، چ. اول 1383 ه.ش.

43. محمد احمد پناهی سمنانی. شاه سلطان حسین صفوی تراژدی ناتوانی حکومت. چاپ اول. انتشارات کتاب نمونه، ۱۳۷۴.
44. محمد اکرام اندیشمند، "کابل پرس"، تاجیک‌ها و زبان فارسی دری؛ بازنده اصلی نظام فدرالی در افغانستان پانزدهم مارچ سال ۲۰۱۲ م
45. محمد سعیدی، هزارستان از اقتدار تا افتخار، (سایت انترنتی <http://urozgan.org/fa-> /AF/article/8284).
46. محمد سعیدی، "هزارستان، از اقتدار تا افتخار" هزاره پیوند
47. محمد محقق، شفقنا، دوشنبه، 18 اسفند 1393 (www.shafaqna.com/persian).
48. محمد مهدی، دانشنامه آریانا، انترنت (http://database-aryana-encyclopaedia.blogspot.com.au/p/blog-page_10.html)
49. محمد نظیف شهرانی، خراسان زمین، ۲۱ جدی ۱۳۹۲.
50. مصاحبه جنرال پرویز مشرف رییس جمهور اسبق پاکستان با تلویزیون طلوع، ۲۰۱۶ م.
51. مصاحبه ویدیویی لطیف پدram با تلویزیون فارسی بی بی سی-۲۰۱۴ م
52. مقایسه تاریخ هندوستان و اندونیزیا. مجموعه مقالات، بلوسه و ان بوت، نیویارک 1978، ص
53. مونستوارت الفنتون "گزارش پادشاهی کابل و توابع آن در تارتاری، فارس و هندوستان"، در دو جلد به زبان انگلیسی، چاپ لندن، 1842 م
54. میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول، صحافی احسانی، قم 1375 شمسی
55. میرغلام محمد غبار، احمدشاه بابا، دانش کتابخانه، چاپ دوم، پیشاور 1376 شمسی
56. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول، انتشارات محمودفای، چاپ دوم قم 1374 شمسی.
57. نک کنگ رهبر حزب لیبرال دموکرات و معاون صدراعظم بریتانیا سپتمبر سال 2009 در روزنامه گاردین، پلان B
58. نادر شاه افشار، وبسایت تمدن ما (tamadonema.ir/)
59. نوراحمد خالدی، "نتایج انتخابات دور اول ریاست جمهوری از تقسیم آرا بر اساس خطوط قومی حکایت می‌کند" فیسبوک، ۲۷ اپریل ۲۰۱۴ م.
60. هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ۱۳۷۵ تهران ص ۶۳.
61. وبسایت مشعل Popal Karim, <http://mashal.org/blog>, Mashal.org/نژاد-وملی های-افغانستان/
62. وبسایت انگلیسی گندهارا تاریخ 11 اپریل 2018
63. ی ای بوسورث، دایرة المعارف ایرانیکا، ۲۰۱۲
64. Ann Coulter vs Vivek Ramaswamy, Defiant Lawyers, Augustus Corbett, June 2024, YouTube.
- 65.

دوکتور نوراحمد خالدی

۱۳ آگست ۲۰۲۴ م

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ